

# تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران

(۴)

رکن‌الدین همایونفرخ

مدیرعامل کتابخانه‌های عمومی شهر تهران

## تاریخچه هنر چهره‌نگاری در ایران

سرگذشت هنر چهره‌نگاری یا نگارگری در ایران از دیرباز با داستان کتاب توأمان بوده است. و از آنجا که در این تاریخچه سخن از سرگذشت کتاب و کتابخانه‌های ایران میان است ناچاریم از هنرهائی که با هنر کتاب‌سازی انباز و دمسازند سخن گوئیم و از تاریخ این هنرها (هرچند مختصر باشد) آگاه شویم و آنها را ارزیابی کنیم.

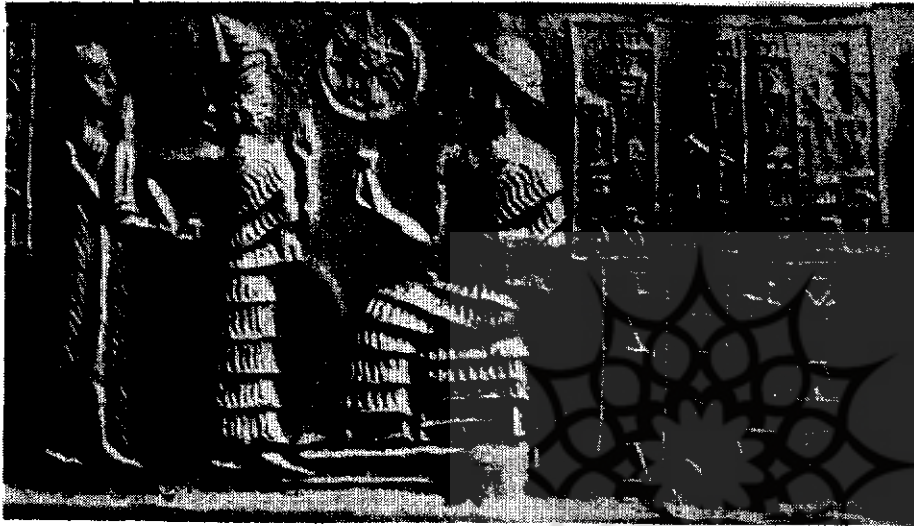
چنانکه در شماره گذشته اشاره شد هنر نگارگری و چهره‌نگاری - تشعیر - تذهیب - صحافی - وراقی - کاغذسازی - جلدسازی اینها همه هنرهائی است که در ایران با داستان کتاب همراه بوده است و کسانی که بخواهند از سرگذشت کتاب آگاه شوند ناچار باید با هنرهائی دیگری که در این «هدیه آسمانی» گاه‌گاه جلوه‌گری کرده است نیز آشنا گردند.

ایرانیان از دیرباز با هنر نقاشی آشنائی داشته‌اند، متأسفانه تاکنون آنچه درباره هنر نقاشی و هنر تزئینی نوشته و تحقیق کرده‌اند «در آثار نشر یافته»، آغاز نقاشی در ایران را از زمان هخامنشیان دانسته و بشمار آورده‌اند. درحالی‌که حقیقت جز این است و هنر نگارگری و هنر آرایشی و تزئینی در ایران از چهار هزار سال قبل از تشکیل دولت هخامنشی سابقه و دیرینگی دارد. خوشبختانه مدارک و اسناد ارزنده‌ای برای اثبات این مدعا در دست است که نشان میدهد نگارگران ایرانی هنر خود را هفت هزار سال پیش از این با وجود آوردن بدایع هنری بسیار ارزنده بمنصه ظهور رسانیده‌اند.

هنر مینیاتور ایران که امروز اینهمه در جهان دانش و پیشی مورد توجه و امعان نظر هنردوستان و هنرشناسان قرار گرفته است هنری نیست که زائیده شش هفت قرن باشد، این هنر ظریف در ایران سابقه هفت هزار ساله دارد و از تجربیات و دانش هنری هفت هزار سال هنرمندان ایران برخوردار است. از هفت هزار سال قبل، یا هفتاد قرن پیش از این مهره‌های استوانه‌ای و نشان‌های عقیق و یشم و لاژور و سنگ آهن و سنگ خون‌آثاری هنری در دست داریم که نگارگران هنرمند ایران بانهایت ظرافت و چیره‌دستی و هنرمندی بصورت معجز آسائی نقوشی از انسان و حیوان - پرنده و چرنده باحالات گوناگون بر آنها نقوشی پدید آورده‌اند که این نقوش گذشته از هنر نقاشی هنر حکاکی را هم شامل است.

این نقش‌ونگارهای دلپذیر و اعجاب‌انگیز در سطوحی بوجود آمده که از سه میلیمتر تا دوسا‌تیمتر عرض و طول آنها بیشتر نیست بعقیده نویسنده نکته‌ای که تاکنون بدان توجه نشده اینست که « مینیاتور واقعی و حقیقی بمعنی اتم کلمه در واقع نقاشی و حکاکی همین مهره‌های استوانه‌ای و نشان‌های عقیق است<sup>۱</sup> مایه و پایه مینیاتور ایران از حکاکی و نقاشی این مهره‌ها و استوانه‌ها سرچشمه گرفته و بنابراین باید از نظر اصول تاریخ مینیاتور ایران را از عصر حکاکی

۱- نشان در اصطلاح اهل فن به‌نگین‌های عقیق - زمرد - یاقوت و مانند آن گفته میشود که در روی آنها صوری از انسان یا حیوان نقر شده باشد این اصطلاح از آنجا در میان اهل فن و نظر مصطلح و رایج گردیده است که اغلب این نگین‌ها در زمان باستان بزبان رمز (سمبل) مفاهیم خاص مذهبی یا سیاسی و اجتماعی و نشانه فرمان و منصب یا پروانه‌کارهائی بوده است.



ونقاشی بر روی نشان‌ها و مهره‌های استوانه‌ای آغاز کرد چنانکه گفتیم چه‌جا و شایسته است اهل فن و نظر این بدایع هنری را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهند و صفحاتی زرین بر صحایف تاریخ پرافتخار هنر هفت‌هزار ساله ایران بیفزایند. در اینجا دو نمونه از نقوش حکاکی‌شده بر روی یک نشان و یک مهره استوانه‌ای را از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرانیم. نقش شماره یک که بر روی عقیق است پادشاهی را نشان می‌دهد (باعبار تاجی که بر سر دارد) بر شتری سوار است که شاخ دارد، در حال جدال با دوشیر بالدار است، و نمونه دوم مهره استوانه‌ایست که ۲ سانتیمتر طول دارد و سه نفر در صحنه آن نمایش داده شده‌اند. شخص نشسته پادشاه و با شخصیت بزرگ مذهبی است و دو نفر ایستاده در برابر او در حال ادای احترام هستند در این نقش خصوصیات و حالات و وجنات کامل اشخاص بخوبی و روشنی نموده شده‌است (عکس شماره ۲). عکس این دو «نشان» چند برابر بزرگ شده‌اند - در هر دو نشان خطوط میخی علائمی هست که درباره آن در شماره‌های پیش بحث کرده‌ایم و قدمت این خطوط تا دوهزار سال قبل از میلاد می‌رسد. صحنه و صورت‌هایی که در این دو اثر مجسم گردیده‌اند در حقیقت دو صحنه مینیاتور بنام معنی کامل و جامع هستند<sup>۲</sup>. بدنیال تکامل این

۲- از مجموعه نفیس آقای فخرالدین نصیری.

۳- لورنس بیندن در کتاب بررسی هنر ایران نظرانی درباره «نقاشی ایرانی» اعلام میدارد که محققانه نیست. او می‌نویسد: هنر نقاشی را در ایران منحصر به مینیاتورسازی یعنی مصور کردن کتابهای خطی دانسته‌اند. چون نقاشی‌های دیواری همه از میان رفته و تنها از راه مینیاتورهای موجود میتوانیم در مغرب‌زمین درباره چگونگی پدیده‌های نقاشی ایرانی داوری کنیم.

باید گفت چنانکه در همین شماره بحث کرده‌ایم، سابقه نقاشی ایرانی سابقه بسیار کهن دارد و دیگر آنکه نقاشی دیواری از دوران هخامنشی و اشکانی و ساسانی بسیار در دست داریم.

هنر است که هنرمندان و نگارگران ایرانی میکوشند هنر ظریف خود را وسعت بخشند و حکاکی را بصورت محذب و یا مقعر در روی ظروف زرین و سیمین و حتی مسین و مفرغی و سنگی و چوبی نیز منتقل سازند. این سیر تکاملی نقاشی و نگارگری ایرانی، هنر تزئین ساختمانها را بوجود آورد و مردم بآرایش در و دیوار ستایش گاهها، کوشکها و کاخهای پادشاهان وسیله قطعات زر و سیم و احجار قیمتی دیگر و صندل و ساج و عاج پرداختند. تزئین در و دیوار کاخها و حجاریهای ستونها و مانند آن زمینه مساعدی برای بوجود آمدن هنر موزائیک و سرامیک در ایران گردید و از اینجاست که سفالگری و کاشی سازی رنگین و منقوش پابعرضه وجود میگذارد و در قریبهای بعد سیر تکاملی خود را می بیند.

### تاریخ آغاز زرنگاری و نقاشی کتاب در ایران

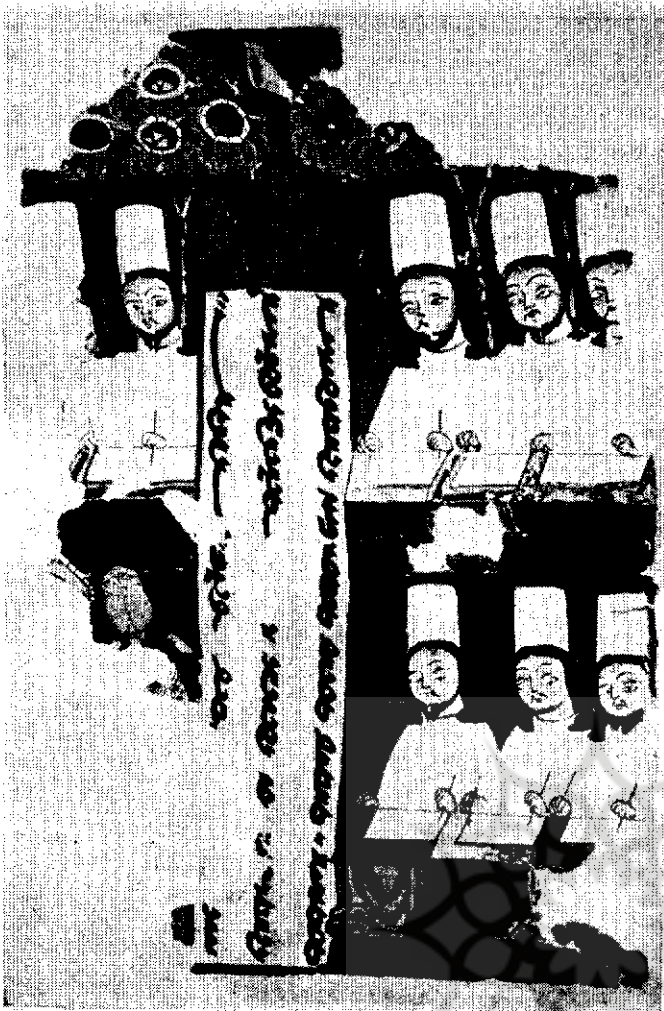
توجه و علاقه ایرانیها به یکتاپرستی و کتاب آسمانی و مقدسشان «اوستا» از دیرباز آنان را به زیبایی و تزئین کتاب اوستا واداشت - چنانکه گفتیم، ایرانیها اوستا را پیش از اینکه با صنعت کاغذ سازی آشنا شوند بر پوست گاو و یا توز می نوشتند و برای آنکه او را قراق آنرا آرایش دهند حروف را با آب طلا می نگاهشتند و با گوهرهای گرانبها تزئین میکردند و برای نگاهداری این او را قراق محفوظهائی از زر و یا سیم می ساختند که بعد هاهمین پوششها بصورت جلد درآمد و جلد سازی نیز در قرون بعد یکی از هنرهای تزئینی و ظریفه گردید.

ایرانیان آثار گرانقدر خود را چه بسا که بر روی لوحهای سیمین و زرین می نوشتند (بر آن نقر می کردند) و این کار گذشته از زیبایی و ارزش از لحاظ حفظ آثار مخطوط حائز کمال اهمیت و توجه بود زیرا سیم و زر در برابر عوامل جوی و رطوبت و آفات ارضی چون کرم و موریا نه مقاومت میکرد و از میان نمیرفت و دستخوش فساد و تباهی نمی گردید.

لوحهای زرین و سیمین که از زیر بنای کاخ داریوش (تخت جمشید) بدست آمده است و لوح زرینی که بنام آریارامنه معروف است و هم چنین لوحهای زر بنام داریوش دوم و لوح زر دیگر بنام آر شام برای نویسنده موجب پدید آمدن نظر تازه ای شده است و آن اینکه: با پیدا شدن این لوحهای زر «که قطعاً صدیک لوحهای دوران هخامنشی است» میتوان تصور کرد که هخامنشیان با توجه باین سابقه که هخامنشیها نوشتههای ارزمند را بر لوحهای زر و سیم می نوشته اند و با در نظر گرفتن این نکته که هخامنشیها نخستین بار اوستا را گردآوری و مدوّن ساختند توان گفت: که نسکهای اوستا بدستور آنها بر روی لوحهای زر نوشته شده بوده است. و این او را قراق گرانبها را در محفوظه های گوهر نشان در گنجینه شاهی و نسخه های دیگری از آنرا هم در آتشکده های نام آور آن دوران نگاهداری می کرده اند و علت و سبب نابودی اوستا را بدست اسکندر و کسانش از این رهگذر باید جستجو کرد نه مخالفت با متن و نوشته های آن. با توجه بغارت و تاراجی که اسکندر و کسانش از گنجینه های ایران و کاخ داریوش کردند و حتی از زیر و رو کردن اجساد پادشاهان هخامنشی در گور بطمع بدست آوردن زر و گوهر خودداری نکردند. مسلم است پس از آگاهی از وجود گنجینه های گرانبهای اوستا بدان دستبرد زده اند و این امر موجب محو متن اوستا در آن دوران گردیده بوده است.

در شاهنامه فردوسی بکرات آمده است که شاهنشاهان ایران سخنان بر گزیدگان و دانشمندان را با آب زر مینوشته اند و در گنجینه های شاهنشاهی نگاهداری می کرده اند بخصوص درباره بزرگمهر و سخنانش این نکته یاد آور شده است. نباید تصور کرد که این سخنان یک تخیل شاعرانه است. بلکه حقیقتی است زیرا فردوسی بر اساس خدای نامه شاهنامه را سروده و بنوشته های پهلوی دوران ساسانی نظر داشته است.

با آنچه در بالا گذشت از توجه و علاقه وافر ایرانیان نسبت به گرامی داشتن سخنان بزرگان و نوشته های مذهبی نموداری بدست دادیم. و باید گفت همین توجه و علاقه بوده است که ریشه و پایه هنر کتاب سازی و هنر تزئین کتاب را در ایران باستان بنیان گذاشته است. بنحوی که یاد کردیم هنر



۳

ترتین کتاب در ایران باستان حداقل تا دو هزار و پانصد سال سابقه پیدا میکند و با این سابقه در قرون بعد چنانکه خواهد آمد، این هنر از نظر تکامل تا بدان پایه میرسد که در جهان بی‌بدیل و بی‌نظیر می‌ماند. هم‌اکنون در موزه‌ها و گنجینه‌های جهان کتابهای ترتینی ایران در پهن‌دشت هنر، گوی برتری از همگان ربوده و قهرمان بی‌رقیب هنر در جهان شناخته شده است.

\* \* \*

مانی ایرانی عقاید خود را که مجموعی از معتقدات و نظرات آئین‌های بودا - زرتشت - مهرپرستان - مسیح بود، وسیله نقاشی تبلیغ و ترویج میکرد و با چنین وسیله تبلیغ و ترویج مؤثر بزودی آئین وی منتشر گشت و هنر نقاشی که از ارکان آئین او بود مقامی والا و ارجمند یافت. کتابهای آئین مانی همه با نقوش و تصاویر ترتین می‌شدند و به همین سبب هنر ترتین کتاب در ایران که مهد پرورش مانی بود باوج ترقی و تکامل رسید و بیش از پیش هنر ترتینی و نقاشی با کتاب هم‌یستگی پذیرفت.<sup>۴</sup>

در کشفیات تورفان ترکستان که اسناد و مدارکی از دین مانی بدست آمد اوراق مکشوفه با نقاشی‌های ترتینی نیز همراه بود و این نقاشی‌ها برای بسیاری از مسائل و نظراتی که طرح میشود سند ارزنده‌ای در اختیار محققان گذاشت.

(عکس شماره ۳) یکی از اوراق مکشوفه در تورفان است و آن صفحه‌ایست از یک کتاب

۴ - درباره مانی و مکتب نقاشی او در صفحات آینده هم بحث خواهیم کرد.



که با نقاشی و تزئین همراه است و صورت‌های نقاشی شده در آن گروهی از مبلغان و رهبران مانوی را با جامه مذهبی نشان می‌دهد که می‌خواهند چیزی بنویسند و یا نقشی بکشند (؟) و از این نشانه توان گفت که: آئین مانوی هنر نویسندگی و آشنائی به خط و دانش را که در ایران باستان مخصوص طبقات خاص (مغان) بود عمومیت داد و پیروان خود را ملزم بفرآ گرفتن دانش خواندن و نوشتن و هنر نقاشی کرد. در این تصویر رهبران دینی همه قلم بدست دارند و برگ‌هایی از کاغذ برایشان روی میز گسترده شده و آنها برای نوشتن و یا نقاشی کردن آماده هستند.

نفوذ دین‌مانی در ایران و تبلیغ و ترویج مردم بفرآ گرفتن نوشتن و خواندن توسط مانوی‌ها موجب افزایش گروه علاقمندان بکتاب گردید و چون کتاب خواستار فراوان یافت هنر کتاب‌سازی ترقی کرد و از همین رهگذر است که در دوران ساسانیان کتابخانه‌های بزرگ بنیاد گردید و کتابهای بسیار نوشته شد و هنر تزئین کتاب مراحل کمال را پیمود.

در عکس شماره ۳ گذشته از چهره‌نگاری تزئین کتاب نیز دیده میشود و گلهای آفتاب گردان و خوشه‌های انگوری برای تزئین بکار رفته است.

(عکس شماره ۴) نوازندگان را نشان میدهد که سرودهای مذهبی می‌خوانند و می‌نوازند و کنار صحیفه کتاب با گل و بوته تزئین شده است. آنچه مسلم است و همه صاحب‌نظران برآند شیوه این نقاشی‌ها ایرانی است و در بحث آینده (چهره‌نگاری دوران سلجوقی) درباره جامه و چهره‌های این صحیفه نقاشی مطالبی خواهیم گفت. از نظرات یاد شده می‌خواهیم نتیجه‌گیری کنیم که:

۱ - هنر کتاب‌سازی و هنر تزیینی کتاب از زمان هخامنشیان در ایران پدید آمده و در زمان ساسانیان به مراحل کمال رسیده بوده است و بهترین سند این مدعا اوراق مکشوفه تورفان است .  
۲ - هنر زرنگاری (تذهیب) و گل‌وبوته‌سازی در کتاب متعلق بدوران قبل از اسلام آنهم در ایران است و کسانی که آنرا متعلق به قرن دوم هجری وسیله اعراب میدانند با استناد آنچه یاد شد سخت در اشتباهند .

### زرنگاری و چهره‌نگاری در ایران پس از اسلام

آئین مقدس اسلام برای مبارزه با مظاهر بت‌پرستی و آئین مانوی و محو آثار آن با چهره‌نگاری و پیکر‌سازی مخالفت اصولی داشت و در اثر همین مخالفت پس از نفوذ آئین اسلام در ایران نگارگری با انحطاط و خفقان دچار شد و چون این هنرها را مبلغان اسلام حرام میخواندند کسی پیرامون آن نمیگشت . لیکن ذوق و علاقه فطری و ذاتی نژاد ایرانی به هنر نمیتوانست یکباره از هنری که قرن‌ها با آن خو گرفته و از آن لذت برده بود چشم‌پوشد . این بود که هنرمندان ایرانی هنر زرنگاری کتاب را دنبال کردند و برای آنکه در این راه گرفتار بدنامی و تنباهی نشوند به زرنگار کردن نسخه‌های قرآن مجید پرداختند . این هنر دل‌پسند بزودی مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و کم‌کم رواج یافت ، و راه تزیین کتب برای نگارگران ایرانی گشوده شد و برای آنکه در آغاز کار با مخالفت مواجه نشوند طرح‌هایی که بکار می‌بردند همه نقوش هندسی بود و تنها سرسوره‌ها را تذهیب میکردند . در پایان قرن دوم هجری با چند گل درشت و تزیینات کوچکی محل حزب‌ها و جزوه‌ها را تزیین میکردند . و علاوه بر آب‌زیر نقطه‌های حروف را با شن‌گرف وزعفران مشخص می‌ساختند . پس از قرن سوم هجری گل‌وبوته در تذهیب قرآن‌ها بکار رفت و بتدریج این گل‌وبوته‌ها به انضمام خطوط هندسی اسلیمی در کاشی‌کاریها و گچ‌بریهای محراب مساجد رسوخ یافت . و طرح‌هایی در نقوش قالی و پارچه بظهور رسید که باید آنها را خطوط و نقوش رمزی (سمبل) خواند زیرا قبل از اسلام پارچه‌ها و قالی‌های بافت ایران از زمان هخامنشیان همه منقوش بنقوش انسان و حیوان و گل‌وبرگ بود بهترین نمونه آنرا میتوان قالیچه روان‌داز اسب دانست که در موزه لنین‌گراد نگهداری میشود و نقش آن شاهزاده خانمی را با ندیمه‌هایش نشان میدهد و در پارچه‌های دوران ساسانی که نمونه آن در موزه شهر لیون موجود است شاهد این مدعا است .

خلفای اموی با مشاهده آثار پرشکوه و با جلالی که در قلمرو حکومت آنان در آمده بود (در شاهنشاهی ساسانی و امپراطوری بیزانس) بساختن کاخ‌های مجلل دست‌یازیده‌اند و چون از هنر معماری و هنر تزیینی بی‌بهره بودند برای نیل باین مقصود از هنرمندان ایرانی کمک گرفتند و ذوق و هنر هنرمندان ایرانی کاخ‌های باشکوهی مانند حیرمشاطه - عمراء حوران و طوبی - بوجود آوردند که اسلوب ساختمان و تزیینات آنها همه با شیوه و سبک ایرانی است .

در کاخ حیرمشاطه ، گذشته از طرز ساختمان این کاخ که بعقیده گروهی از باستان‌شناسان اساساً از ساختمانهای ساسانی است . نقاشی‌هایی که بر دیوارهای این کاخ هنوز پا برجاست دارای سبک ساسانی و چهره و جامه‌های این نقوش همه ایرانی است . میتوان گفت از سال ۲۳۷ ه . (بعقیده بعضی این کاخ در زمان هشام پسر عبدالملک بنا شده است) هنر نقاشی بار دیگر در قلمرو حکومت اسلامی بوسیله هنرمندان ایرانی رایج گشته است .

نگفته نماند که نفوذ هنر و ادب ساسانی هیچگاه در زمان تسلط عرب و نفوذ اسلام در ایران از میان نرفت زیرا گذشته از مازندران و تبرستان در قسمت‌هایی از ماوراءالنهر شاهزادگان ساسانی تا حدود سال ۱۴۰ هجری نفوذ و حکومت داشته‌اند و ساکنان قسمت‌های دیگر ایران که با آنها هم‌زبان و هم‌نژاد بودند پیوسته روابط معنوی خود را با حکومت ایرانی ماوراءالنهر محفوظ و مربوط میداشتند و یامید فرارسیدن روز آزادی و پایان نفوذ بیگانگان عرب روز شماری میکردند . میدانیم که از اواسط قرن دوم هجری در دستگاه خلفا ایرانیان نفوذ یافتند و از این هنگام نفوذ معنوی ایرانیان در دولت اسلامی آشکار میگردد و فرهنگ و هنر اسلامی از آن تاریخ تحت نفوذ و تسلط معنوی فرهنگ و هنر ایران قرار می‌گیرد .